

آذرب

مرد اسیدپاش صورت خودش را هم سوزاند
اسیدپاشی بانیت نامعلوم

گروه حوادث | مرد اسیدپاش با انگیزه‌ای نامعلوم هم‌محلی‌اش را هدف جنایت قرار داد. این پسر جوان که در هنگام اسیدپاشی خودش را هم به شدت سوزانده بود، برای گمراه کردن کارآگاهان داستان عجیبی مطرح کرد.



عقربه‌ها ساعت ۲ باامداد اول اردیبهشت‌ماه را نشان می‌داد که ماموران کلانتری ۱۵۸ کینشهر در جریان حادثه‌ای تلخ قرار گرفتند. با حضور مأموران در محل و در تحقیقات اولیه مشخص شد جوانی ۲۳ساله به نام صادق از ناحیه سر و صورت مورد اسیدپاشی قرار گرفته است. با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «اسیدپاشی» و به دستور شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۴ تهران، پرونده جهت رسیدگی در اختیار اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

مردی با صورت سوخته

با انجام اقدامات درمانی، تحقیقات از ممدوم اسیدپاشی در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. صادق در اظهارات خود به کارآگاهها گفت: شامگاه ۱۱ اردیبهشت درحال بازگشتن به خانه بودم. اما وقتی خواستم در خانه را باز کنم ناگهان از پشت سر کسی مرا صدا زده وقتی برگشتم یک موتورسوار تقلیدار را دیدم که به من گفت «بگری». ناگهان همه وجودم آتش گرفت. جایی را نمی‌دیدم و با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم. چند دقیقه بعد فهمیدم هدف اسیدپاشی قرار گرفته‌ام. با کمک همسایه‌ها به بیمارستان رفتم و متوجه شدم د ناحیه سر و صورت و دست مورد اسیدپاشی قرار گرفته‌ام.

صادق در پاسخ به سوال کارآگاهان مبنی بر این که با شخصی اختلاف و مشکلی داشته یا مورد تهدید قرار گرفته‌است؟ گفت: «به هیچ‌کس مشکوک نیستم.»

تحقیقات پلیسی

کارآگاهان با توجه به اصدای صادق مبنی بر این که اسیدپاشی توسط سرنشین یک موتورسیکلت صورت گرفته، تحقیقات خود را برای شناسایی او آغاز کردند. در گام نخست تحقیقات و بررسی سوابق موجود در بیمارستان‌های تهران به‌ویژه بیمارستان‌های سوانح و سوختگی، مشخص شد جوانی ۲۵ساله به نام حمیدرضا در ساعت ۲ بامداد شب حادثه به خاطر پاشیده شدن اسید روی دست و صورتش به بیمارستان مراجعه و مدعی شده که در هنگام کار مجروح شده است. همین سرنخ کافی بود تا کارآگاهان نام او را در اختیار صادق قرار دهند. اما صادق که باور نداشت بدون داشتن هیچ اختلافی از سوی بچه محلشان هدف این توطئه شوم قرار گرفته باشد درحالی‌که شوکه شده بود به کارآگاهان گفت: حمیدرضا یکی از ساکنان منطقه کینشهر است اما من هیچ درگیری با او نداشته بودم.

ایهام در انگیزه

با توجه به سرنخ‌های به‌دست آمده درخصوص احتمال ارتکاب اسیدپاشی از سوی حمیدرضا، کارآگاهان به محل سکونت او در منطقه کینشهر رفته و در اقدامی غافلگیرانه او را دستگیر کردند. وقتی حمیدرضا در برابر قانون قرار گرفت برای گمراه کردن ماموران داستان سربایی عجیبی داشت. او در اعطایش گفت: درحال بازکردن انسداد لوله اسید روی صورت پاشیده شد. اما کارآگاهان با توجه به مدارک و شواهد پرونده او با مظنون شماره یک شناسایی کرده بودند و به همین دلیل در بازجویی‌های فنی سرنجام حمیدرضا لب به اعتراف گشود و گفت: اسید را از مغازه‌ای واقع در خیابان شهزاد خریداری کردم. شب حادثه منتظر ماندم تا صادق از مغازه‌اش خارج شود. او را تعقیب کردم و وقتی در مقابل آپارتمانشان ایستاد اسید را روی صورتش پاشیدم. پس از اسیدپاشی به مغازه پدرم رفتم و با این‌که نقاب داشتم متوجه عمق سوختگی روی صورت خودم هم شدم؛ بسیار ترسیده بودم و باافاصله به بیمارستان مراجعه کردم.»

سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: «در تحقیقات انجام‌شده درخصوص علت و انگیزه واقعی جنایت، متهم تا به این لحظه از تحقیقات اظهارات متناقض و متناقضی از بیان کرده است. تحقیقات برای روشن شدن انگیزه واقعی جنایت در دستور کار کارآگاهان قرار گرفته و متهم پرونده هم با اقرار قانونی در اختیار اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

ریحانه جباری یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های جنایی ایران را رقم زده است

دفاع از مسیر اشتباه



محاکمه حضور دارند و امضای هیچ کدام نسبت به

دیگری ارححیت ندارد. ریحانه همراه وکیلش در این تحقیقات حضور داشت و۵قاضی به اتفاق آرا حکم قصاص این دختر جوان را صادر کردند.

این در حالی است که در برخی از پرونده‌ها اگر ایرادی وجود داشت این ۵قاضی از صدور رأی امتناع

پرونده را برای رفع ایرادات به دادسرا و باز پرس اولیه برمی گرداندند که درخصوص پرونده ریحانه جباری آنان باهیچ ایرادی رویه‌رو نشدندواقدم ریحانه اقل دانسته و به دفاع از ناموس بر نخوردند،البته این پایان نمی‌کنند. آنان بر این باورند که با بخشش تصویری باعتراض ریحانه ووکیلش پرونده به دیوانعالی کشور ارجاع داده شد و ۲ قاضی مجدداً به بررسی ماهوی این زنان را در تنگنار قرار دادند.

بااحیای دادسراها که از مسائل ۸۱شکل گرفت، پروسه قضایی بسیار خاصی پی‌ریزی شد. این در حالی بود که پیش از این تنها یک قاضی از پرونده یک جنایت تا انتها خود در مسند تصمیم‌گیری بود اما ۲ اسالی است که پرونده‌ها از صافی‌های زیادی عبور می‌کنند و در زمان صدور حکم یک پرونده تصفیه‌شده به ایستگاه آخر می‌رسد. پرونده ریحانه جباری هم مستثنا نبود. در این پرونده نیز ابتدا بازپرس ویژه قتل با حضور در محنه جنایت به همراه تیم ویژه پلیس جنایی تشخیص هویت و پزشکی قانونی برای رازگشایی وارد عمل شد. ریحانه بارها تحت بازجویی‌های تیم تحقیق قرار گرفت و در آخر بازپرس شاملو قرار مجرمیت صادر کرد. پس از آن دادیار اظهار نظر در نقش معاون دادستان به مطالعه دقیق پرونده پرداخت. با توجه به دلایل و اقراهای ریحانه هیچ ایرادی در پرونده وجود نداشت. باید کیفرخواست صادر می‌شد و این در حالی بود که در این‌جای ماجرا هیچ اشاره‌ای به دفاع از ناموس نشده بود. پس از صدور کیفرخواست پرونده به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد که در آن جاقط یک قاضی تصمیم گیرنده نیست بلکه ۵قاضی در جلسه

تشکیل کمپین حمایتی از ریحانه زده‌اند بلکه در شبکه‌های اجتماعی صفحاتی در حمایت از وی راه‌اندازی کرده‌اند. اگر راه درستی انتخاب می‌شد و به‌جای این اقدامات ناآگاهانه سعی در انتخاب مسیری برای جلب رضایت خانواده مقتول و استفاده از حس انسان‌دوستی آنان انجام می‌دادند ریحانه به آغوش خانواده‌اش بازمی‌گشت و با تجربیاتی که در این سال‌های زندان به‌دست آورده بود راهی درست برای ادامه زندگی انتخاب می‌کرد. شاید اگر از هر کسی که در غالب این گروه‌های حمایتی سعی داشتند ریحانه را از مجازات قصاص نجات دهد، در خصوص جزئیات پرونده، چگونگی رابطه ریحانه با مقتول، آشنایی عامل جنایت و مقتول، انگیزه از این رابطه آشنایی و انگیزه وی از قتل سوالی بپرسی، همگان با سکوت کندند یا اطلاعات نادرستی بیان کنند. با همین اطلاعات نادرست است که بخشش و غفور ریحانه را از سوی خانواده مقتول ناپدید می‌گیرند و به‌دنبال بی‌گناه جلوه‌دهی می‌هستند.

پرونده این جنایت

روز ۱۶ تیرماه سال ۸۶ مردی به نام مرتضی در آپارتمانی در مرکز تهران باضربه چاقو به‌قتل رسید.با آغاز تجسس نام توسط تیم تحقیق معلوم‌شددختری ۱۹ساله به نام ریحانه که مطرح در کاورسیون بود، در قتل مرتضی دست دارد. در حالی که چند ساعت از وقوع این جنایت گذشته بود، ریحانه در خانه پدری‌اش بازداشت شد و در همان مراحل مقدماتی بازجویی اتهام قتل را پذیرفت. او گفت: مدتی قبل با مرتضی که یک پزشک جراح بود، آشنا شدم و قرار شد دفتر تازه کارش را برایش طراحی کنم. روز حادثه من درای دین محلل کارش به آن‌جا رفتم اما در آن‌جا با یکدیگر درگیر شدیم و برای دفاع از خودم با چاقو ضربه‌ای به وی زدم و قرار کردم به‌دنبال اعترافات، ریحانه پرونده‌ای تهیه شود به‌شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده‌شد.

هر چند در دور اول دادرسی قضات دادگاه به نتیجه

سارقان لند کروز سوار را شناسایی کنید

سرق‌ت‌های عجیب مردان شیک پوش



بهبانه داشتن موادمخدر اقدام به دستگیری صوری مالباختگان کرده و پس از سوار کردن این افراد به خودروهای خود، در بازرسی، اموال آنها را به سرقت برده و متواری شده‌اند. بررسی اظهارات تعدادی از مالباختگان نیز نشان داد که متهمان، علاوه بر خودرو تویوتا لندکروز سفیدرنگ با شیشه‌های دودی، از سه دستگاه خودرو پژو پارس سفید، ماکسیمانقره‌ای و مسندنوکممدادی در سرقت‌های خود استفاده کرده‌اند.

بن‌بست قانون

کارآگاهان با تشکیل چندین تیم عملیاتی ویژه متهمان را تحت تعقیب قرار دادند تا این‌که در یک عملیات غافلگیرانه هر ۳متهم دستگیر شدند. در بازرسی از آنها یک رسته دستبند فلزی، یک کیف عبده سلاح کمری، یک دستگاه بی‌سیم دستی، یک عدد اسبری گاز اشک‌آور، دهها عدد دستبند پلاستیکی، تعداد زیادی مدارک شناسایی و کارت‌های عابر بانک کشف شد. متهمان در همان تحقیقات اولیه اعتراف کردند اسناد و مدارک کشف‌شده متعلق به مالباختگانی است که آنها در طول یک‌سال گذشته اقدام به سرقت از آنها کرده‌اند، همچنین از متهمان

خارج از مرز

ادعای عجیب مدیر عامل یک ایرلاین مشهور درباره هواپیمای مالزیایی

هواپیمای مالزی بازم جنجال ساز شد

با گذشت ۷ماه از ناپدید شدن هواپیمای پرواز «ماج ۳۷۰» و انتشار اخبار متفاوت همچنان سرنوشت این پرواز عجیب در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این در حالی است که در آخرین اخبار فرضیه سقوط این هواپیما تأیید شده بود اما «سر تیم کلارک»، مدیرعامل «هواپیمایی امارات» از شنیدن این اظهارات متقاعد نشد و فرضیه تکان دهنده‌ای را در این رابطه مطرح کرد. آخرین اخبار رسمی از این مسأله حکایت دارد که هواپیمای مالزیایی پیش از ناپدید شدن گردن به چپ داشته است. بااین حال «سر تیم کلارک»، مدیرعامل «هواپیمایی امارات» در اظهار نظری جدید گفت: هواپیمای مالزیایی روی سیستم «توپایلت» یا خلبان اتوماتیک نبوده بلکه به عقیده من پرواز «ماج ۳۷۰» احتمالاً تا آخرین لحظه تحت کنترل خلبان بوده است. اما آنچه واضح است این است که اظهارات کلارک با تحلیل‌های مورد تأیید اداره امنیت حمل‌ونقل استرالیا که اعلام شده هواپیما تحت کنترل سیستم خودکار پرواز می‌کرده و پس از اتمام سوخت سقوط کرده، تناقض دارد.

کلارک می‌گوید: هر ثانیه از این پرواز باید تا زمان این‌که فرضیه سقوط هواپیما در اقیانوس هند مشخص شود بررسی و معلوم شود چرا تاکنون هیچ ردیایی حتی یک تشکیجه صندلی از این هواپیما یافت نشده و من با یافته‌های کارشناسان که تاکنون نتوانسته‌اند هیچ ردیایی از هواپیمای مالزیایی نشان دهند موافق نیستم. وی همچنین از اطلاعات کامپیوتر و جی‌پی‌اس سوال می‌کند و در ادامه می‌گوید: تجربیات ما نشان می‌دهد در سوانح هوایی با فر فرآز اقیانوس و دریا رخ می‌دهند و هواپیما به اعماق آب فرو می‌رود، همیشه یک نشانه وجود دارد اما در مورد این هواپیما تاکنون غیر از امواج ماهواره‌ای که درباره آن هم سوال دارم، هیچ‌یک از این موارد که نشان بدهد هواپیما به‌طور ختمی در کجا سقوط کرده وجود ندارد. به گزارش ایستا به‌قتل از: «گزمینر» این صحبت‌های «کلارک» ادعاهای سایر افراد مشکوک به قضیه ناپدید شدن هواپیمای مالزیایی را اوقت می‌بخشد. از آن‌جا که هواپیمای مالزیایی یکی از مجهزترین هواپیماهای خطوط هوایی بوده، لذا ناکارآمدی فردی کارآموخته این سیستم‌ها را از کار انداخته است، جای بحث دارد. کلارک می‌گوید: من کاملاً با این مسأله موافق نیستم زیرا از کار انداختن این تجهیزات اصلا کار آسانی نیست و خلبانان نیز نحوه از کار انداختن آن را آموزش ندیده‌اند اما درباره پرواز «ماج ۳۷۰» قضیه اندکی متفاوت است و این تجهیزات به‌طوری از کار افتاده‌اند تا قابلیت ردیایی زمین این هواپیما از سوی برج مراقبت از بین برود. بنابراین گزارش، خانواده‌های مسافران هواپیمای مالزیایی همچنان منتظر شنیدن اخباری از سرنوشت عزیزان خود هستند.

ذره‌بین

وداع یا ۷ شهید
سقوط هواپیمای پلیس



آخرین بدرقه ناجیان زمینی که در هنگام آموریت کاری به‌کم مرگ فرورفته بودند طی مراسمی باشکوه برگزار شد.

پیکر ۷ شهید سانحه هوایی نیروی انتظامی با حضور رئیس‌بنیاد شهید، فرمانده نیروی انتظامی و همسران شهدا در ستاد فرماندهی نیروی انتظامی در ستاد فرماندهی ناجا تشییع شد. در این مراسم باحضور خانواده قربانیان، پس از قرائت قران و مداحی، پیکر شهدا بر دوش همسرگان و همکاران آنها تشییع شد.

در این مراسم حجت‌الاسلام شهیدی رئیس بنیاد شهید با قرائت پیامی به فرمانده نیروی انتظامی و خانواده این شهدا تبریک و تسلیت گفت. در این سانحه هوایی که در شامگاه شبه رخ داده بود، ۴ خدمه پرواز به همراه ۳ مسئول بازرسی پلیس به شهادت رسیدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد این هواپیما از نوع «توربو کوماندر» ملخی بوده که به علت نقص فنی در نزدیکی روستای «گرافه» منطقه نصرت‌آباد استان سیستان و بلوچستان سقوط کرده بود. سرنشینان این هواپیمای پلیس که برای بررسی حادثه سرآوان به محل اعزام شده بودند همگی به‌کم مرگ فرورفتند.

سربین شهید عبدالعلی صادقی، سردار شهید قربان محمد درودگر، سردار شهید خلیان علی‌احمد فرخی، سردار شهید علی خرسندی‌نیا، سرهنگ شهید حجت خلیل لول، سروان شهید قربانعلی قویلد و کارمند شهید محسن طلوعی شهدای این سانحه هوایی بودند.